



میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانون‌مدار، مشارکتی و انتقادی در کتب جدیدالتألیف

جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه

The Realizations of rule- oriented, participatory and critical Citizenship Education Approaches in High School Sociology Textbooks

تاریخ دریافت مقاله: ۲۹/۰۲/۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۸/۰۱/۱۳۹۸

S. Babakhani

A. Salehi (Ph.D)

Y. Ghaedi(Ph.D)

S. Keshavarz (Ph.D)

اکبر صالحی^۲سجاد باباخانی^۱سوسن کشاورز^۴یحیی قائدی^۳

Abstract: The purpose of the study is to investigate the frequency and distribution of rule- oriented, participatory and critical citizenship education approaches in high school sociology textbooks. The special educational system is 6-3-3 in the academic year of 2018-2019 in Iran. Therefore, quantitative as well as qualitative content analysis methods were used to achieve this goal. The method of data gathering in this research was documentary method and using checklists of citizenship approaches along with indicators and components related to each approaches. The findings of the study indicate that there is a great focus on approaches to citizenship education in the 12th grade textbook (39.5%) while the lowest indications was found in the 11th grade textbook (24.36%). Also, among the three approaches, the most volume was rule-oriented citizens approach education was the most frequent (42.03%) while the least frequent was the critical citizens approach education (25.47%). Reflecting on these findings, it could be said that at the level of educational foundations distribution of citizenship education approaches was unbalanced. And some approaches have been overlooked by curriculum planners. Therefore, the review of how to represent citizenship education approaches seems to be necessary in the reviewed books.

Keywords: citizenship education, citizenship education approaches, content analysis, sociology, textbook, high school

چکیده: هدف مقاله، بررسی میزان توزیع رویکردهای تربیت شهروندی قانون‌مدار، مشارکتی و انتقادی در کتب جدید التالیف جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه ویژه نظام آموزشی ۳-۳-۶ در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ در ایران است. برای نیل به این هدف، از روش تحلیل محتوا از نوع کمی و کیفی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش اسنادی و استفاده از چک لیست‌های رویکردهای تربیت شهروندی به همراه شاخص‌ها و مؤلفه‌های مربوط به هر یک از رویکردها بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیشترین توجه به رویکردهای تربیت شهروندی در کتاب پایه دوازدهم (۳۹/۵ درصد) و کمترین در کتاب پایه یازدهم (۲۴/۳۶ درصد) شده است. همچنین از بین سه رویکرد، بیشترین حجم را رویکرد تربیت شهروند قانون‌مدار (۴۲/۰۳ درصد) و کمترین حجم را رویکرد تربیت شهروند انتقادی (۲۵/۴۷ درصد) داشته است. با تأمل در باب این یافته‌ها می‌توان گفت در سطح پایه‌های تحصیلی توزیع رویکردهای تربیت شهروندی نامتوازن بوده و نیز برخی از رویکردها مورد کم توجهی برنامه‌ریزان درسی قرار گرفته است. از این رو بازنگری در نحوه ارائه رویکردهای تربیت شهروندی در کتب مورد بررسی لازم به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: تربیت شهروندی، رویکردهای تربیت شهروندی، تحلیل محتوا، کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه.

۱. دانشجوی دکتر فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران Babakhani638@gmail.com
۲. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران (نویسنده مسئول) salehidj2@yahoo.com
۳. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران yahyaghaedi@yahoo.com
۴. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران ss.keshavarz@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

تربیت شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شهروندان جامعه را به حقوق شهروندی‌شان آشنا کنیم، و از شهروندان جامعه این انتظار را داشته باشیم که متعهد و مسئول باشند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه‌های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها به همراه الگوها و روش‌های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه‌ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری می‌باشیم (خطیب زنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰). شهروندی بیانگر ارتباط میان حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت است که برای هر نوع اداره‌ای لازم و ضروری‌اند و هم اکنون شهروندی سازوکار خوبی برای تحقق حقوق و تکالیف است. شهروندی به مدد مجموع حقوق، وظایف و تعهداتش راهی برای توزیع و اداره‌ی عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند (فالکس^۱، ۱۳۹۰). بنا به گفته مارشال^۲، «شهروندی، منزلتی اعطا شده به آن‌هایی است که اعضای کامل یک اجتماع هستند، و نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آن‌ها بخشیده، برابرد» (مارشال، ۱۹۵۰؛ به نقل از ترنر و هملیتون^۳، ۱۹۹۴). تربیت شهروندی یعنی فرصت‌های تأمین شده توسط مدارس برای مشارکت دانش‌آموزان در تجربه‌های یادگیری مانند بازی کردن نقش-ها، مشارکت در بحث‌ها، امتحانات تشریفاتی، سنجش‌های کلاسی، شورای مدرسه به منظور رشد و ارتقای مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی افراد است (هومانا^۴ و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از تمجیدتاش و مجلل چوبقلو، ۱۳۹۲).

ماهیت پیچیده و بحث‌انگیز مفهوم شهروندی موجب شده ابعاد مختلفی برای آن ارائه بشود. مارشال (۱۹۵۰) شهروندی را در رویکردی تکاملی و تاریخی به سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کند (مارشال، ۱۹۵۰؛ به نقل از ترنر و هملیتون، ۱۹۹۴). سرز و هبرت^۵ (۲۰۰۵) در تحلیل ابعاد شهروندی، ابعاد آن را در چهار بعد، مدنی- شهروندی، سیاسی-

-
1. Faulks
 2. Marshall
 3. Turner & Hamilton
 4. Homana
 5. Sears & Hebert

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

شهروندی، اجتماعی- اقتصادی شهروندی و فرهنگی یا گروهی- شهروندی بیان می‌کنند. وستهایمر و کاهان^۱ (۲۰۰۴) شهروند مسئول فردی^۲، شهروند مشارکتی^۳ و شهروند عدالت‌گرا^۴ و ویلگر^۵ (۲۰۰۷) شهروند وفاق‌مدار^۶، شهروند فردمدار^۷ و شهروند انتقادی- دموکراتیک^۸ از ترکیب شهروندی حداقلی- حداکثری با تقسیم‌بندی سه نوع شهروندی با کلماتی متفاوت مدلی ارائه داده‌اند.

از آنجا که یکی از نهادهای مؤثر در آگاه نمودن دانش‌آموزان از حقوق، وظایف و تکالیف شهروندی‌شان، نظام آموزش و پرورش رسمی است لذا در ایران هم در بخشی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ساحتی بنام ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شده است. هدف از تحقق این ساحت تربیت افرادی است که بتوانند به حقوق، مسئولیت و نقش- های اجتماعی و سیاسی خود در جامعه آشنا شوند و به آن عمل نمایند. بخشی از برنامه درسی ملی در واقع به دنبال اجرایی و عملی نمودن مضامین این ساحت در قالب برنامه‌های درسی است.

در نظام آموزشی ۳-۳-۶ محتوای کتب درسی همسو با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی تدوین گردیده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش از گسترده‌ترین طرح‌های نرم‌افزاری است که با تأکید بر جنبه‌های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش در برمی‌گیرد و برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به

-
1. Westheimer & Kahane
 2. Personally Responsible Citizen
 3. Participatory Citizen
 4. Justice-oriented Citizen
 5. Veugelers
 6. Adapting Citizen
 7. Individualistic Citizen
 8. Critical-democratic Citizen

منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۳).

با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود، به نظر می‌رسد پرورش بعد سیاسی - اجتماعی به عنوان یکی از ساحت‌ها و قلمروهای اساسی تعلیم و تربیت با توجه به وسعت عمل آن در سطح فردی و اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است. تربیت اجتماعی جریانی است که به برکت آن شخص انسانی، در طول حیات خویش تمامی عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را فرا می‌گیرد و درونی می‌سازد و با ساخت شخصیت خود، تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار یگانه می‌سازد؛ تا خود را با محیط اجتماعی‌ای که باید در آن زیست نماید، تطبیق دهد (شرف‌الدین، ۱۳۸۷). تربیت سیاسی فرآیندی است که به وسیله آن، افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و درک آن‌ها تا اندازه قابل توجهی از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌گردد (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷).

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به توسعه‌ی شهروندی یا توانمندی‌های شهری مربوط است و ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. این ساحت ناظر به ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و...)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)، کسب دانش، اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی) است. از اصول حاکم بر ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی که مرتبط با تربیت شهروندی می‌باشد نگرستن به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل، تأکید بر قانونمندی و قانون‌مداری، توجه به شایستگی‌های پایه برای مشارکت فعال دانش-

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

آموزان، تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری و گسترش عدالت در جهان می‌باشد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۲).

نتایج بررسی محتوای ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بیانگر این است که محتوای این بخش از سند تحول را می‌توان در سه رویکرد طبقه بندی نمود و مؤلفه‌هایی را برای هر سه رویکرد بر اساس این ساحت استخراج نمود (جدول ۱).

جدول (۱): مؤلفه‌های ساحت تربیت سیاسی- اجتماعی مرتبط با سه رویکرد مورد بررسی (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۳-۳۰۲).

مؤلفه‌های ساحت تربیت سیاسی- اجتماعی	رویکردهای تربیت شهروندی
اطاعت از قوانین، مسئولیت‌پذیری، اجرای وظایف مدنی، حرمت نهادن به حقوق دیگران.	شهروند قانونمدار
تمایل به مشارکت، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها، مردم‌سالاری، ارتباط مناسب با دیگران.	شهروند مشارکتی
حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی.	شهروند انتقادی

با توجه به این که آشنایی با تربیت شهروندی از جمله مهارت‌هایی است که در مدرسه باید آموزش داده شود و دانش‌آموزان رده‌های مختلف تحصیلی باید حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های شهروندی را در مدرسه فرا بگیرند (کندی، ۲۰۱۶: ۱۵۲). بنابراین مدرسه به عنوان بخشی از آموزش و پرورش رسمی برای آماده‌سازی افراد به منظور ایفای نقش شهروندی از دو نوع برنامه درسی رسمی و پنهان استفاده می‌کند، برنامه درسی رسمی دروس معینی است که در نظام آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در میان دروس مقاطع مختلف تحصیلی مطالعات اجتماعی منبع مهم تربیت شهروندی به شمار می‌آید (محمودی، ۱۳۹۰).

از جمله کانون‌های تاثیرگذار برای اجرایی کردن سند تحول بنیادین، برنامه‌های درسی است، و محصول برنامه درسی کتاب درسی است. در برنامه درسی ملی، مؤلفه‌های ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی سند تحول بنیادین را در حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی در نظر گرفته‌اند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۲). و از آنجا که درس

جامعه‌شناسی مرتبط‌ترین درس به این حوزه می‌باشد مبنای انتخاب قرار گرفت. جامعه‌شناسی یک حوزه مهم یادگیری است که از انسان و تعامل او با محیط‌های گوناگون و جنبه‌های گوناگون این تعامل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و ...) بحث می‌کند. و پایه شناخت دانش‌آموزان را از مفاهیم شهروندی مثل قانون‌گرایی، آزادی، همکاری و مشارکت، برابری فرصت‌ها و... را افزایش می‌دهد (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷). با تغییر نظام آموزشی و برقراری نظام ۳-۳-۶، محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه دستخوش تغییرات بنیادینی گردید. انتظار می‌رود با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت شهروندی در جامعه، کتب جدید التالیف رویکردهای تربیت شهروندی را مورد توجه قرار دهند. و به عنوان یک قاعده کلی محتوای برنامه درسی در دوره دوم متوسطه باید طوری انتخاب شود که امکان و فرصت استدلال، استنتاج، نقد و بررسی و سایر فعالیت‌های ذهنی سطح بالا را برای دانش‌آموزان فراهم سازد (فرنیا و پوررضا، ۱۳۸۸: ۹). و براساس یک اصل مهم روانشناسی بویژه نظریه رشد شناختی پیازه تفکر انتقادی دانش‌آموزان در سن نوجوانی و جوانی که مقارن با دوره دوم متوسطه است نمایان می‌شود و قابل بررسی است (کرین، ۱۳۹۲). آموزش در دوره دوم متوسطه به موقعیت‌های واقعی زندگی نزدیک‌تر بوده و فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پرورش مهارت‌های کارگروهی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. در این دوره بخش عمده‌ای از فرایند یاددهی یادگیری مبتنی بر پرسشگری نقادانه و استدلالی و مشارکت در فعالیت‌های جمعی در سطح جامعه می‌باشد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۰: ۳۴). دوره دوم متوسطه بیش از دوره‌های قبلی با جامعه ارتباط دارد. دانش‌آموزان این دوره هم از نظر روانی و ذهنی خود را آماده ورود به جامعه و ایفای نقش‌های مختلف می‌بینند و هم جامعه از او انتظار دارد که توانایی‌های نسبی در انجام وظایف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد (فرنیا و پوررضا، ۱۳۸۸: ۹). از جمله پایبندی به قانون و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی. بنابراین پژوهش حاضر سه رویکرد تربیت شهروندی قانون‌مدار، مشارکتی و انتقادی را در دوره دوم متوسطه مورد بررسی قرار داده است.

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

برخی پژوهش‌های هم در راستای این موضوع چه در داخل و چه در خارج انجام شده که در زیر اجملاً مورد بررسی قرار می‌گیرد نیکنمای و مدانلو (۱۳۸۷) پژوهشی تحت عنوان «تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی برای ارائه یک چارچوب نظری مناسب» به شیوه تحلیل محتوا بر روی کتاب‌های دوره راهنمایی انجام داده‌اند. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های راهنمایی تحصیلی نشان داده است که بین میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها و میزان توجه به آنها در کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود ندارد. نکته قابل تأمل در یافته‌های این تحقیق تأکید بیشتر بر برخی از مؤلفه‌های شهروندی و نادیده گرفتن سایر مؤلفه‌ها بدون در نظر گرفتن اهمیت آنها می‌باشد. جمالی تازه‌کند و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه» که با روش تحلیل محتوای آنتروپی شانون انجام پذیرفته. نشان داده که به صورت نامتوازن به مؤلفه‌های تربیت شهروندی توجه شده است. یافته‌های این پژوهش نیز نشان دهنده توزیع نامتعادل مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه می‌باشد. در این پژوهش مقولاتی از تربیت شهروندی که در سه حوزه دانش، نگرش و مهارت شهروندی قرار می‌گیرند را برای دوره متوسطه در نظر گرفته‌اند. ذهبیتون و همکارانش (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی» انجام داده‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Spss-19 و روش آماری غیر پارامتریک در این پژوهش حاکی از وجود تفاوت معنادار بین میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی در کتاب‌های مذکور بود. همچنین یافته‌ها نشان داد بین پایه‌های تحصیلی از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از ناهمگنی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی مورد بررسی و همچنین بین پایه‌های تحصیلی این دوره می‌باشد. در این پژوهش مقوله‌های هنجارها، هویت جهانی و مردم‌سالاری که شامل زیر مقوله‌های گسترده‌ای می‌باشند برای دوره متوسطه در نظر گرفته شده است. رضایی و همکاران (۱۳۹۷) به انجام پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس رویکرد زمینه محور» پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که در کتاب‌های مورد تحلیل به مؤلفه‌های رویکرد زمینه محور به طور نامتعادل توجه شده است. در هر دو کتاب به مؤلفه-

های یادگیری معنادار، کسب شایستگی علمی، ایجاد موقعیت‌های حل مسئله بیشتر از سایر مؤلفه‌ها توجه شده است و به مؤلفه‌های درگیر شدن دانش‌آموزان در کارهای گروهی و فراهم ساختن زمینه پرورش استدلال علمی، بسیارکم توجه شده است. یافته‌های این پژوهش نیز نشان دهنده توزیع نامتوازن مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای کتب مورد بررسی می‌باشد. کولادو و آخورا^۱ (۲۰۰۶) به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی اسپانیا در رابطه با مؤلفه‌های تربیت شهروندی دموکراتیک پرداخته‌اند. برای تحلیل کتاب‌ها، ۵ مؤلفه مدنظر قرارگرفت: مسئولیت‌پذیری، مشارکت، حل تعارضات، تنوع و حقوق بشر. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که ایده‌آل‌های مدنظر اتحادیه اروپا پیرامون تربیت شهروندی به صورت نامتوازن و در برخی موارد بسیار سطحی، در کتاب‌های مورد بررسی، مورد توجه قرار گرفته است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به اهمیت و ضرورت توجه متوازن به هریک از مؤلفه‌های تربیت شهروندی در راستای دستیابی به شهروندان دموکراتیک پی‌برد. ریوللی^۲ (۲۰۱۰) بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ به انجام پژوهشی با عنوان «تربیت شهروندی در مدارس متوسطه: بررسی مقایسه‌ای بولزانو و پادووا در ایتالیا» دست‌زده است. نتایج تحقیق او نشان داد: سطح علائق و دانش سیاسی- مدنی دانش‌آموزان با آنچه که در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود، هم‌بستگی قوی دارد. این نتایج بیانگر تأثیرگذاری و اهمیت برنامه‌های درسی در رشد و توسعه دانش، مهارت و نگرش شهروندی در بین دانش‌آموزان دارد. فاس و راس^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی که در زمینه برنامه‌های درسی لازم در زمینه شهروندی در کشور ایرلند انجام داده‌اند، کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را از لحاظ توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد تحلیل انتقادی قرار دادند. آنها استدلال کرده‌اند که برنامه درسی دوره ابتدایی نسبت به دوره راهنمایی بر سرنوشت و نقش فعال شهروند در جامعه حاضر تأکید بیشتری دارد. نتایج این پژوهش حاکی از ناهمگنی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی در کتب درسی مورد بررسی در دو دوره ابتدایی و راهنمایی در کشور ایرلند می‌باشد.

-
1. Collado & Atxurra
 1. Rivelli
 2. Fass & Ross

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

با مروری مختصر بر سوابق مطالعات انجام گرفته درباره تربیت شهروندی مشخص گردید که به رغم اهمیتی که این مقوله در تجهیز فراگیران به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز شهروندی ایفا می‌کند پژوهش‌ها و اقدامات انجام شده در این زمینه ناکافی است. به ویژه در زمینه بررسی کتب درسی از لحاظ میزان و نحوه پرداختن به رویکردهای تربیت شهروندی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. می‌توان گفت پژوهشی در خصوص تحلیل محتوا با توجه به رویکردهای تربیت شهروندی بر روی کتب جدید التألیف جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه ویژه نظام آموزشی ۳-۳-۶ انجام پذیرفته است. و پژوهش‌های انجام گرفته بر روی کتب نظام آموزشی قدیم بوده است.

این پژوهش در نظر دارد تا با دستیابی به اساسی‌ترین رویکردهای تربیت شهروندی حاصل از مطالعه متون مبانی نظری سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی به بررسی این مسأله بپردازد که محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه تا چه میزان به تربیت شهروندی بر اساس رویکردهای شهروند قانونمدار، مشارکتی و انتقادی می‌پردازند. به گونه‌ای که فراوانی و درصد توزیع هر یک از رویکردهای تربیت شهروندی ذکر شده، در کتاب‌های مورد بررسی مشخص گردد. بر اساس موارد ذکر شده این پژوهش به دنبال پاسخ سؤال زیر می‌باشد:

در کتب جدید التألیف جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه (ویژه نظام جدید آموزش ۳-۳-۶) تا چه میزان به انواع مختلف رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و انتقادی توجه شده است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا^۱ از نوع کمی بصورت مقوله‌ای^۲ و همچنین کیفی از نوع قیاسی برای بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در متن و تصاویر کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه استفاده شده است. برای این‌که تحلیل محتوا بصورت کیفی انجام گیرد، ابتدا میزان توزیع رویکرد تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و انتقادی، بصورت کمی از متون مورد بررسی استخراج گردید، و داده‌های کمی بدست آمده در جدول‌های قرار داده شد و به دنبال آن محتوا بر اساس آن چهارچوب مورد تحلیل کیفی، قضاوت و ارزیابی قرار

1. Content Analysis

2. Categorical

گرفت. بنابراین در این پژوهش استفاده از روش کمی راه را برای انجام قضاوت درست و تحلیل کیفی فراهم ساخته است. بهره‌گیری توأم روش‌های کمی و کیفی موجب مطالعه جامع-تر و شناخت عمیق‌تر موضوع مورد پژوهش می‌شود (گلشنی و قائدی، ۱۳۹۱: ۵۸). منظور از تحلیل محتوای قیاسی نوعی تحلیل محتواست که متن مورد تحلیل، در قالب مقولات و مؤلفه‌های تعریف شده از قبل براساس یک چهارچوب مفهومی پیشنهادی تحلیل می‌شود. این چهارچوب مفهومی می‌تواند براساس ادبیات پژوهش تدوین شود یا از پژوهش‌های دیگر اتخاذ گردد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). برای این منظور و انجام تحلیل کیفی از نوع قیاسی در پژوهش حاضر، سه رویکرد شاخص تربیت شهروندی بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته انتخاب گردید.

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش اسنادی و ابزار پژوهش برای استخراج رویکردهای تربیت شهروندی در کتاب‌های مورد تحلیل، چک لیست تحلیل محتوا بوده است. تدوین چک لیست تحلیل محتوا از طریق مطالعه ادبیات حوزه تربیت شهروندی و بررسی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق صورت گرفته است. به طور کلی با توجه به ادبیات مربوط به موضوع تحقیق و پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان رویکردها و شاخص‌ها و مؤلفه‌های تربیت شهروندی را برای گنجاندن در کتاب‌های مورد تحلیل به صورت جدول (۲) ترسیم نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

جدول (۲): رویکردهای تربیت شهروندی و شاخص و ویژگی های آن

رویکردها	شاخصها و مؤلفهها
شهروند قانونمدار	پیروی از قانون، احترام به حقوق دیگران، مسئولیت پذیری، عامل بودن، تعهد داشتن در قبال جامعه، کمک به دیگران در مواقع بحرانی، اجرای وظایف مدنی، تقید نسبت به حفظ منابع طبیعی و امنیت دیگران، به مباحث سیاسی حساس بوده و احساس تعهد می کند، رعایت عرف و آداب اجتماعی، پذیرش منافع عمومی.
شهروند مشارکتی	همیاری و کارهای داوطلبانه، همکاری با دیگران، مشارکت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی، دارای مهارت - های فرآیندگرویی، حاکمیت بر سرنوشت خود، کثرت - گرایی و اجتماع، برقراری دموکراسی، در مسائل و مشکلات شهری و اجتماعی جامعه خود حضوری فعال دارند، روی تلاش جمعی بسیار تأکید می کنند و اصطلاحاً جامعه محور هستند.
شهروند انتقادی	به طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار می دهند (تحلیل منتقدانه و داشتن تفکر انتقادی)، مخالفت با بی عدالتی و نابرابری (عدالت خواهی)، تحلیل ارزش ها، مطالبه گری، داشتن حق اعتراض و مخالفت.

به منظور تعیین روایی ابزار پژوهش، چک لیست تحلیل محتوای طراحی شده، برای عده ای از کارشناسان و اساتید برنامه ریزی درسی، تعلیم و تربیت و جامعه شناسی ارسال شد تا نظریات خود را در مورد مناسب و مرتبط بودن سازه، شامل مفاهیم و مؤلفه های مربوط به آن اعلام دارند. سپس فرم اولیه تعدیل شده پس از چندبار اصلاح، با بهره گیری از نظریات تعدادی از اساتید دانشگاه برای تحلیل محتوای کتابها مورد استفاده قرار گرفت و نهایتاً چک لیستی تهیه و تدوین شد.

در این تحقیق به منظور اطمینان از پایایی تحلیل محتوا، چک لیست تحلیل محتوا در اختیار یک تحلیل گر محتوا قرار گرفت که به صورت موازی و هم گام با محقق حدود ۲۰ درصد از

کتاب‌های درسی مذکور را تحلیل کرد. مقدار ضریب توافق بین اندازه‌گیری‌های مستقل دو محقق حدود ۰/۷۸ برآورد شد که نشان از پایایی ابزار مورد استفاده دارد.

مراحل اجرای پژوهش: تحلیل محتوا به عنوان یک روش تحقیق دارای این مراحل است: ۱- انتخاب جامعه آماری ۲- معیار توصیف ۳- انتخاب یک طبقه بندی براساس معیار توصیف ۴- تعیین واحد ثبت ۵- تشخیص عناصر هر طبقه ۶- پردازش اطلاعات و نتیجه‌گیری (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۱).

۱- جامعه آماری: کتاب‌های جامعه شناسی دوره دوم متوسطه است و نمونه، کل جامعه آماری است. پژوهش به بررسی و تحلیل محتوای متن و تصاویر کتاب‌های درسی جامعه شناسی چاپ ۱۳۹۷ ویژه نظام تحصیلی ۳-۳-۶ در سه پایه دهم، یازدهم و دوازدهم متوسطه دوم در رشته علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ کشور ایران می‌پردازد.

۲- معیار توصیف: انتخاب دقیق معیار توصیف به انتخاب و یا تولید یک طبقه‌بندی خوب کمک زیادی می‌کند. در پژوهش معیار توصیف تربیت شهروندی است که اساس طبقه‌بندی را تشکیل می‌دهد.

۳- طبقه‌بندی براساس معیار توصیف: در این پژوهش با تلفیق دیدگاه‌ها برای طبقه‌بندی، از طبقه‌بندی یک سطحی که سه طبقه دارد استفاده شده است: شهروند قانون‌مدار، شهروند مشارکتی و شهروند انتقادی.

۴- تعیین واحد ثبت: واحد ثبت به بخش معناداری از محتوا که انتخاب شده و در طبقه مربوطه قرار داده می‌شود و سپس مورد شمارش قرار می‌گیرد، اطلاق می‌گردد. در تحلیل محتوای کتاب درسی کلمه (نماد)، جمله، پاراگراف، درس و یا تصویر و یا آزمایش ممکن است واحد ثبت باشد (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۴). در این پژوهش واحد ثبت «پاراگراف» و «تصویر» است.

۵- تشخیص عناصر هر طبقه: در این مرحله همه محتوا مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. هر پاراگراف و تصویر مربوط به طبقه شمارش شد. برای جلوگیری از سوگیری و اطمینان بیشتر از یکی از همکاران درخواست شد با معیار توصیف پاراگراف‌ها و تصاویر را تعیین و شمارش نماید.

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

۶- پردازش اطلاعات و نتیجه‌گیری: پس از جمع‌آوری اطلاعات، اطلاعات در جدول‌های خاصی براساس فراوانی و درصد توزیع پاراگراف و تصاویر مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و انتقادی قرار داده شده است. در انتها جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفته است (جدول‌های ۳ تا ۵). علاوه بر تحلیل کمی، در این مرحله با بکارگیری تحلیل محتوای کیفی اقدام به استنباط و پیشنهادات در خصوص محتوای کتب درسی مورد بررسی برای بهبود محتوای کتب درسی خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج این مطالعه در مورد سؤال پژوهش، در جداول زیر بر اساس فراوانی و درصد توزیع پاراگراف‌ها و تصاویر مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی در کتب مورد تحلیل ارائه شده - است. جدول (۳)، میزان توجه کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه به رویکردهای تربیت شهروندی را براساس فراوانی و درصد توزیع پاراگراف‌های مرتبط با هریک از رویکردها را نشان می‌دهد.

جدول (۳): فراوانی و درصد توزیع پاراگراف‌های مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی در کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه

محتوا	شهروند قانون مدار	شهروند مشارکتی	شهروند انتقادی	جمع
پایه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دهم	۱۵	۴۲/۸۵	۷	۳۵
یازدهم	۱۱	۴۵/۸۳	۴	۲۴
دوازدهم	۱۷	۴۴/۷۳	۱۴	۳۸
جمع	۴۳	۴۴/۳	۲۵	۹۷

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که در کتاب درسی پایه دهم ۱۵ پاراگراف به شهروند قانونمدار، ۱۳ پاراگراف به شهروند مشارکتی و ۷ پاراگراف به شهروند انتقادی اختصاص یافته است. در کتاب درسی پایه یازدهم این نسبت‌ها به ترتیب ۱۱، ۹، ۴ پاراگراف است و در کتاب

درسی پایه دوازدهم ۱۷ پاراگراف به شهروند قانونمدار، ۷ پاراگراف به شهروند مشارکتی و ۱۴ پاراگراف به شهروند انتقادی اختصاص دارد.

براساس پاراگراف‌های مرتبط با هریک از رویکردهای تربیت شهروندی می‌توان گفت محتوای کتاب درسی پایه دهم به ترتیب ۴۲/۸۵ درصد به تربیت شهروند قانونمدار؛ ۳۷/۱۴ درصد به تربیت شهروند مشارکتی و ۲۰ درصد به تربیت شهروند انتقادی پرداخته است. محتوای کتاب درسی پایه یازدهم ۴۵/۸۳ درصد به تربیت شهروند قانونمدار؛ ۳۷/۵ درصد به تربیت شهروند مشارکتی و ۱۶/۶۶ درصد به تربیت شهروند انتقادی اختصاص یافته است. و محتوای کتاب درسی پایه دوازدهم به ترتیب ۴۴/۷۳ درصد به تربیت شهروند قانونمدار؛ ۳۶/۸۴ درصد به تربیت شهروند انتقادی و ۱۸/۴۲ درصد به تربیت شهروند مشارکتی پرداخته است. بنابراین براساس پاراگراف‌ها می‌توان نتیجه گرفت کتاب درسی پایه دهم بیشترین توجه را به شهروند قانونمدار و کمترین توجه را به شهروند انتقادی داشته است. کتاب‌های درسی پایه یازدهم و دوازدهم نیز بیشترین توجه را به شهروند قانونمدار داشته‌اند اما کتاب درسی پایه یازدهم کمترین توجه را به شهروند انتقادی و پایه دوازدهم به شهروند مشارکتی داشته است. می‌توان گفت کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم با ۳۸ پاراگراف (۳۹/۱۷ درصد) بیشترین و کتاب جامعه‌شناسی پایه یازدهم با ۲۴ پاراگراف (۲۴/۷۴ درصد) کمترین توجه را به سه رویکرد تربیت شهروندی مورد بررسی داشته است. از بررسی پاراگراف‌های کتاب‌های سه پایه دوره دوم متوسطه این نتیجه کلی به دست می‌آید که محتوای کتاب‌ها بیشتر به تربیت شهروند قانونمدار با ۴۳ پاراگراف (۴۴/۳ درصد) پرداخته‌اند. و تربیت شهروند مشارکتی با ۲۹ پاراگراف (۲۹/۹ درصد) در مرتبه بعدی قرار دارد و تربیت شهروند انتقادی با ۲۵ پاراگراف (۲۵/۷۷ درصد) کمترین مطالب را به خود اختصاص داده است (جدول ۳).

جدول (۴)، میزان توجه کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه به رویکردهای تربیت- شهروندی را براساس فراوانی و درصد توزیع تصاویر مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و انتقادی را ارائه داده است.

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

جدول (۴): فراوانی و درصد توزیع تصاویر مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی در کتب جامعه‌شناسی دوره

دوم متوسطه

محتوا	شهروند قانون مدار		شهروند مشارکتی		شهروند انتقادی		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
دهم	۷	۳۱/۸۱	۱۱	۵۰	۴	۱۸/۸	۲۲
یازدهم	۶	۴۲/۸۵	۵	۳۵/۷۱	۳	۲۱/۴۲	۱۴
دوازدهم	۱۰	۴۱/۶۶	۶	۲۵	۸	۳/۳	۲۴
جمع	۲۳	۳۸/۳	۲۲	۳۶/۶	۱۵	۲۵	۶۰

بر اساس نتایج جدول (۴) می‌توان گفت در کتاب درسی پایه دهم ۷ تصویر به شهروند قانونمدار، ۱۱ تصویر به شهروند مشارکتی و ۴ تصویر به شهروند انتقادی اختصاص یافته است. در کتاب درسی پایه یازدهم این نسبت‌ها به ترتیب ۶، ۵، ۳ تصویر است و در کتاب درسی پایه دوازدهم ۱۰ تصویر به شهروند قانونمدار، ۶ تصویر به شهروند مشارکتی و ۸ تصویر به شهروند انتقادی اختصاص دارد. براساس تصاویر مرتبط با هریک از رویکردهای تربیت شهروندی می‌توان گفت محتوای کتاب درسی پایه دهم به ترتیب ۵۰ درصد به تربیت شهروند مشارکتی؛ ۳۱/۸۱ درصد به تربیت شهروند قانون مدار و ۱۸/۸ درصد به تربیت شهروند انتقادی پرداخته است. محتوای کتاب درسی پایه یازدهم ۴۲/۸۵ درصد به تربیت شهروند قانونمدار؛ ۳۵/۷۱ درصد به تربیت شهروند مشارکتی و ۲۱/۴۲ درصد به تربیت شهروند انتقادی اختصاص یافته است. و محتوای کتاب درسی پایه دوازدهم به ترتیب ۴۱/۶۶ درصد به تربیت شهروند قانون مدار؛ ۳۳/۳ درصد به تربیت شهروند انتقادی و ۲۵ درصد به تربیت شهروند مشارکتی پرداخته است. بنابراین براساس تصاویر می‌توان نتیجه گرفت کتاب درسی پایه دهم بیشترین توجه را به شهروند مشارکتی و کمترین توجه را به شهروند انتقادی داشته است. اما کتاب‌های درسی پایه یازدهم و دوازدهم بیشترین توجه را به شهروند قانون مدار داشته‌اند و براساس یافته‌ها کتاب درسی پایه یازدهم کمترین توجه را به شهروند انتقادی و پایه دوازدهم به شهروند مشارکتی داشته است.

برطبق یافته‌های جدول (۴) کتاب جامعه‌شناسی پایه دوازدهم با ۲۴ تصویر (۴۰ درصد) بیشترین و کتاب جامعه‌شناسی پایه یازدهم با ۱۴ تصویر (۲۳/۳ درصد) کمترین توجه را به سه رویکرد تربیت شهروندی داشته است. از بررسی تصاویر کتاب‌های سه پایه دوره دوم متوسطه این نتیجه کلی به دست می‌آید که محتوای کتاب‌ها بیشتر به تربیت شهروند قانون‌مدار و مشارکتی به ترتیب با ۳۸/۳ و ۳۶/۶ درصد پرداخته اند. و تربیت شهروند انتقادی با ۲۵ درصد کمترین مطالب را به خود اختصاص داده است.

جدول (۵)، میزان توجه کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه به رویکردهای تربیت- شهروندی را براساس فراوانی و درصد توزیع مجموع پاراگراف‌ها و تصاویر مرتبط با رویکردهای تربیت شهروندی قانون‌مدار، مشارکتی و انتقادی را ارائه داده است.

جدول (۵): فراوانی و درصد توزیع رویکردهای تربیت شهروندی در کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه

محتوا	شهروند قانون‌مدار		شهروند مشارکتی		شهروند انتقادی		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
پایه دهم	۲۲	۱۴/۰۱	۲۴	۱۵/۲۸	۱۱	۷	۳۶/۴۳
یازدهم	۱۷	۱۰/۵۳	۱۴	۸/۹	۷	۴/۵۷	۲۴/۳۶
دوازدهم	۲۷	۱۷/۲	۱۳	۸/۳	۲۲	۱۴/۰۱	۳۹/۵
جمع	۶۶	۴۲/۰۳	۵۱	۳۲/۴۸	۴۰	۲۵/۴۷	۱۵۷

نتایج پژوهش براساس جدول (۵) بیانگر این است که در کتب جامعه‌شناسی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم جمعاً ۱۵۷ مورد به رویکردهای تربیت شهروندی اشاره شده است. از این تعداد ۶۶ مورد (۴۲/۰۳ درصد) به تربیت شهروند قانون‌مدار، ۵۱ مورد (۳۲/۴۸ درصد) به تربیت شهروند مشارکتی و ۴۰ مورد (۲۵/۴۷) به تربیت شهروند انتقادی پرداخته است. علاوه بر این، در سطح پایه تحصیلی، کتاب پایه دهم ۵۷ مورد (۳۶/۳ درصد)، پایه یازدهم ۳۸ مورد (۲۴/۳۶ درصد) و پایه دوازدهم ۶۲ مورد (۳۹/۵ درصد)، به رویکردهای مورد بررسی تربیت شهروندی اشاره نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد در کتب جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه: ۹۷ پاراگراف و ۶۰ تصویر مرتبط با شهروندی، رویکردهای مورد نظر تربیت شهروندی را به گونه‌ای مطرح ساخته‌اند که تقریباً در نیمی از پاراگراف‌ها و در حدود ۳۸ درصد تصاویر به رویکرد تربیت شهروند قانونمدار توجه شده است و دیگر رویکردهای تربیت شهروندی در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نتیجه آماری پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه به ترتیب به آموزش شهروند قانونمدار، مشارکتی و انتقادی پرداخته‌اند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق نیکنامی و مدانلو (۱۳۸۷) همخوانی دارد. توجه بیشتر به مؤلفه‌های تربیت شهروند قانونمدار نسبت به دو رویکرد دیگر به دلیل رویکرد اتخاذ شده توسط برنامه‌ریزان کتب درسی در جهت همسویی و انطباق بیشتر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی می‌باشد؛ زیرا این اسناد بالادستی تأکید بیشتری بر مؤلفه‌های شهروند قانونمدار دارند تا شهروند مشارکتی و انتقادی.

در مقایسه بین سه پایه تحصیلی براساس میزان توجه به سه رویکرد مورد بررسی مشخص گردید، میزان توجه به هر یک از سه رویکرد در بین پایه‌های تحصیلی متفاوت می‌باشد. اما در مجموع می‌توان گفت در سطح پایه تحصیلی کتاب درسی پایه دوازدهم بیشترین و کتاب پایه یازدهم کمترین توجه را به رویکردهای تربیت شهروندی داشته است که بیانگر توزیع نامتوازن مؤلفه‌ها و رویکردهای مرتبط با تربیت شهروندی در کتب درسی مورد بررسی می‌باشد. این امر منجر به این خواهد شد دانش‌آموزان در تمام ابعاد به صورت مطلوب و متوازن رشد نکنند.

یافته اخیر همسو با نتایج جمالی تازه‌کند و همکاران (۱۳۹۲)، ذهبتون و همکاران (۱۳۹۵) و رضایی و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد. این پژوهشگران نتایج مشابهی در این زمینه بدست آوردند، آنها نشان دادند که کتاب‌های درسی مورد تحلیل به یک نسبت به مؤلفه‌های شهروندی پرداخته‌اند. همچنین این یافته همسو با تحقیق کولادو و آخورا (۲۰۰۶) نیز می‌باشد. نتایج تحقیق آنان بیانگر آن بود که ایده‌آل‌های مدنظر اتحادیه اروپا پیرامون تربیت شهروندی به صورت نامتوازن و در برخی موارد بسیار سطحی، در کتاب‌های مورد بررسی، مطرح شده است.

نتایج مقاله نشان می‌دهد، برخی از رویکردهای تربیت شهروندی مورد کم توجهی برنامه-ریزان درسی قرار گرفته است، مانند مشارکت، انتقادگری و انتقادپذیری که در متن و تصاویر تا حدودی نادیده گرفته شده است، با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته در مورد پاراگراف-ها و تصاویر کتاب‌های درسی می‌توان گفت که کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی در تربیت شهروندی به رویکرد شهروند قانون‌مدار با «شهروند حداقلی» و «شهروند خودمختار» شباهت دارند. این نوع شهروندی به‌طور اساسی مطیع (فرمانبردار) حکومت است: «اطاعت از قانون» و «روح عام» از ویژگی آنهاست. این شهروند؛ در جامعه به‌طور فردی فعالیت می‌کند و خود را مسئول نظم می‌داند، در مقابل آن شهروند انتقادی یا شهروند حداکثری قرار دارد که «پرسشگری فعال» است و «دیدگاه انتقادی در همه موضوعات اساسی» دارد. شهروندان انتقادی محور به‌طور منتقدانه ساختارهای اجتماعی؛ سیاسی و اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده و به راهبردهایی توجه می‌کنند که ماهیت جمعی دارد و با بی‌عدالتی مخالفت می‌کنند و دلایل اصلی مشکلات را نشان می‌دهند. همچنین در رویکرد شهروند مشارکتی؛ شهروندان افرادی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند. همچنین این دیدگاه بر آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مشارکت در امور جمعی و جامعه تأکید می‌کند. طرفداران شهروندی مشارکت‌جو استدلال می‌کنند که مشارکت مدنی فراتر از مشکلات با فرصت خاص در جامعه است. شهروند مشارکتی ارتباط، ادراکات مشترک، اعتماد و تعهدات جمعی را توسعه می‌دهد.

از این رو، با توجه به توزیع نامتوازن مؤلفه‌ها و رویکردهای تربیت شهروندی در کتب درسی مورد بررسی، و همچنین از آنجا که در ایران، دوره دوم متوسطه، آخرین مرحله آموزش رسمی عمومی است، ضرورت بازنگری و بازنه‌اندیشی در جهت توجه کافی به ابعاد مختلف تربیت شهروندی در برنامه درسی موجود آشکار می‌گردد. بنابراین برای دستیابی به تربیت شهروندی مطلوب باید اهداف و محتوای کتب درسی را با توجه به تمام ابعاد تربیت شهروندی تهیه و تدوین کرد. برای این منظور باید نیازهای پایدار و همه‌جانبه شهروندی را به گونه مستمر در فاصله‌های زمانی ارزیابی کرد و در اهداف و محتوای برنامه درسی در راستای برآوردن نیازهای فرد و جامعه، تجدیدنظر کرد. به همین دلیل برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

درسی، باید در فرایند تهیه محتوا برای کتب جامعه‌شناسی، آن را به گونه‌ای غنی‌سازی کنند که مؤلفه‌های مورد نظر هر سه رویکرد تربیت شهروندی در آن کاملاً متوازن و متعادل لحاظ گردد. لذا برنامه‌ریزان درسی باید در بازنگری کتب درسی جامعه‌شناسی دوره دوم متوسطه، مؤلفه‌هایی مانند تفکر انتقادی، مطالبه‌گری، داشتن حق اعتراض و مخالفت و توجه به کثرت-گرایی را که از شاخصه‌های شهروند مشارکتی و انتقادی می‌باشند را مدنظر قرار دهند. زیرا قصور و ناتوانی کتاب‌های جامعه‌شناسی در توجه اصولی و همه‌جانبه به مؤلفه‌های مختلف تربیت شهروندی باعث خواهد شد، دانش‌آموزان نتوانند در آینده تبدیل به شهروندانی مطلوب گردند.

پیشنهادها:

- در مجموع و با توجه به یافته‌های به دست آمده، پیشنهادهای زیر قابل تأمل به نظر می‌رسد:
- با توجه به اینکه نتایج حاکی از آن است که برخی رویکردهای تربیت شهروندی مورد بی-توجهی قرار گرفته‌اند، و به همه‌ی رویکردهای تربیت شهروندی به طور متعادل توجه نشده است؛ پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان در طراحی و تدوین محتوای برنامه درسی جامعه‌شناسی، رویکردهای مختلف تربیت شهروندی را مدنظر داشته باشند و با توجه به اینکه در عصر حاضر نیاز به شهروندان با مهارت‌های انتقادی و مشارکتی در کارهاست، الگوی تربیت شهروند مشارکتی و انتقادی را به دانش‌آموزان عرضه کنند.
 - بخش تصاویر نسبت به محتوای نوشتاری، رویکردهای تربیت شهروندی را کم مورد توجه قرار داده است. لذا با نظر به تأثیر قوای بصری در دریافت مفاهیم و تأثیر بالای ذائقه زیباشناختی در فهم مطالب، پیشنهاد می‌گردد در عرصه تبیین رویکردهای تربیت شهروندی، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جذاب و متنوع گرافیکی، رویکردهای مختلف تربیت شهروندی مورد توجه بیشتر قرار گیرد.
 - محتوای کتب درسی مورد بررسی بیشتر به صورت سنتی دانش‌آموزان را با رویکردهای مختلف تربیت شهروندی آشنا می‌نماید و دانش‌آموزان را به سمت تفکر همگرا و تکیه بر حافظه شناختی هدایت می‌نمایند. لذا باید برای تأثیر مطلوب بر روی فراگیران محتوای کتب درسی، دانش‌آموزان را به اندیشیدن به صورت انتقادی و داشتن دید نقادانه به وقایع

اجتماعی و سیاسی ترغیب نماید و با بهره‌گیری از ظرفیت برنامه‌های درسی نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی، زمینه مشارکت آنان را در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه فراهم آورد.

- آموزش مفاهیم و مؤلفه‌های تربیت شهروندی مشارکتی (مانند: کاربرد دموکراسی، حق انتخاب و رأی دادن، حق تصمیم‌گیری) و تربیت شهروندی انتقادی (مانند: عدالت‌خواهی، مطالبه‌گری، حق اعتراض و مخالفت) به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب نمایش، سخنرانی، داستان و... باعث آشنایی دانش‌آموزان با وظایف، حقوق و تکالیف خود نسبت به خانواده، مدرسه و جامعه می‌شود.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم.
- تمجیدتاش، الهام و مجلل چوبقلو، محمدعلی (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی فرایند تربیت شهروندی در مقطع ابتدایی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با کشور ژاپن. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱ (۴۰): ۳۲-۱۸.
- جمالی تازه‌کند، محمد؛ طالب‌زاده نویریان، محسن و ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۲ (۱۰): ۱۹-۱.
- خطیب زنجانی، نازیلا (۱۳۸۶). آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز. روزنامه کیهان، قابل دسترس در: [http:// www.magiran.com](http://www.magiran.com)
- ذهبیتون، شهلا؛ یوسفی، علیرضا و یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه دوره دوم به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی. دوفصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲ (۲۳): ۱۴۷-۱۳۶.
- رضایی، مریم؛ بلمانه، پرستو و احمدی، غلامعلی (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی دوره ابتدایی براساس رویکرد زمینه محور. دوفصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲ (۳۱): ۱۳۵-۱۲۳.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۷). جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی. فصلنامه راه تربیت، ۲ (۵): ۱۹۸-۱۷۷.

میزان توجه به رویکردهای تربیت شهروندی قانونمدار، مشارکتی و ...

شرفی، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. **ماهنامه مهندسی فرهنگی**، ۲ (۱۶ و ۱۷): ۴۹-۶۴.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). **برنامه درسی ملی**. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). **مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷). تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره). **فصلنامه راه تربیت**، ۲ (۵): ۷۰-۵۳. فالکس، کیث (۱۳۹۰). **شهروندی**. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

فتحی و اجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن. **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، ۵ (۱۷): ۱۳۲-۹۳.

فرنیا، محمدعلی و پوررضا، صدیقه (۱۳۸۸). بررسی کمی و کیفی محتوای کتاب جامعه‌شناسی دوره متوسطه (علوم انسانی) بر اساس دیدگاه اجتماعی در برنامه‌ریزی درسی. **فصلنامه علوم تربیتی**، ۲ (۶): ۱۷۴-۱۵۳.

کرین، ویلیام (۱۳۹۲). **نظریه‌های رشد، مفاهیم و کاربردها**. ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی، تهران: انتشارات رشد.

گلشنی، علیرضا و قائدی، محمدرضا (۱۳۹۱). روش تلفیقی برابند نقد روش‌های کمی و کیفی. **فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، ۲ (۹): ۷۰-۴۳.

محمودی، محمدتقی (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی. **فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**، ۲ (۲۰): ۱۰۸-۹۶.

نوریان، محمد (۱۳۸۸). **راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی**. تهران: نشر شورا.

نیکنامی، مصطفی و مدانلو، یاسمن (۱۳۸۷). تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت ارائه یک چارچوب نظری مناسب. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، ۲ (۱): ۱۶۴-۱۳۷.

Collado, M.C., & Atxurra, R.L.(2006). Democratic citizenship in textbooks in Spanish primary curriculum. **Curriculum studies**, 38 (2): 205-228.

- Fass, D., & Ross, W. (2012). Identity, diversity and citizenship: A critical analysis of textbooks and curricula in Irish schools. **International Sociology**, 27 (4): 574-591.
- Kennedy, K. (ed), (2016). **Citizenship education and the modern state**, London: the falmer press. P 63-79.
- Rivelli, S. (2010). Citizenship Education at high School. A comparative study between Blzano and Padova (ITALY). **Procedia social and behavioral Science**, 2 (2): 4200-4207.
- Sears, A., & Hébert, Y. (2005). Citizenship Education. Canadian Education Association, **Available at: https://www.ca/media/en/citizenship_education**.
- Turner, B.S & Hamilton, P. (1994). (ed) **Citizenship: Critical Concept**, Routledge, vol.2.
- Veugelers, W. (2007). Creating critical-democratic citizenship education: empowering humanity and democracy in Dutch education. **Compare: A Journal of Comparative and International Education**, 37 (1): 105 – 119.
- Westheimer, J., & Kahane, J. (2004). What Kind of Citizen? the politics of educating for democracy. **Educational Research Journal**, 41(2), 237-269.

